

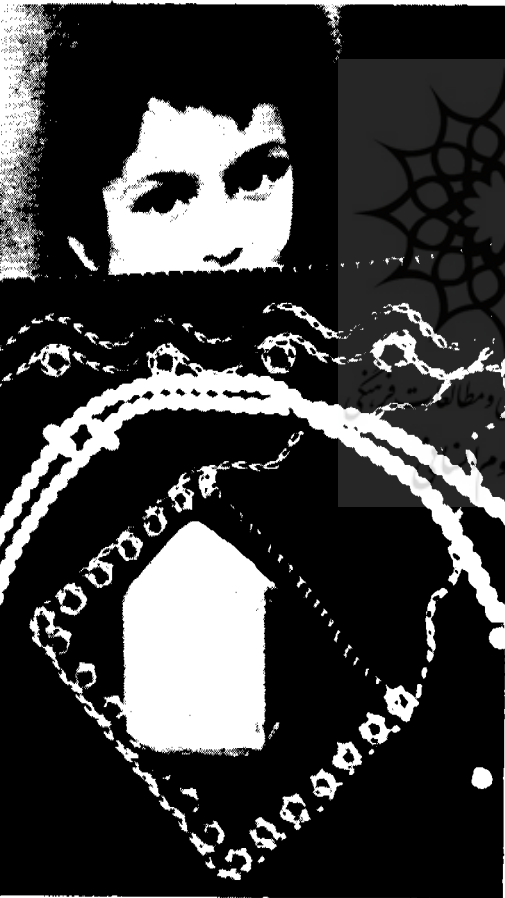
اهداف تربیتی نماز

دکتر غلامعلی افروز

و

نگرش کودکان و نوجوانان به

منش نمازگزاران



حقیقت این است که هدف از آفرینش انسان عبادت خالق مَنان است، و عبادت برخوردار از نیت و اندیشه خالصانه و موخذانه و حرکت هدفمند و مستمر در راه خدا و به سوی خدا می‌باشد. هدف از عبادت نیز تربیت و رشد و کمال انسان است و هدف غایی در تربیت انسان که همه پیامبران الهی به آن مبعوث شده‌اند، رسیدن به فلاح است و بس.

اولین ندایی که از سوی پیامبر اکرم (ص) پس از بعثت طنین‌افکن می‌گردد، همانا سرود آزادگی و رهایی انسان از همه وابستگیها و پیوند با الله برای نیل به فلاح است: "قولوا لا اله الا الله فتلحوا". بگویند هیچ "الهی" نیست جز "الله" تا به فلاح و رستگاری برسید. چرا که انسان فقط در سایه نفی‌اله‌ها (آفت‌های رشد) و پیوند با "الله"، (عامل رشد) به "فلاح" (رشد) می‌رسد.

به "فلاح" رسیدن یعنی به کمال مطلوب تواناییها و قابلیت‌های وجود و جوهره انسانی دست‌یافتن. به عبارت دیگر به فلاح رسیدن یعنی تزکیه وجود از همه وابستگیها، اتصاف به صفات‌الله و تقرب به حق. بنابراین هرکه خود را از وابستگیهای جهان مادی و دنیای دلبستگیها (اله‌ها) بیشتر رها سازد، طریق رشد و هدایت را بیش از دیگران می‌پیماید و به اندیشه توحیدی می‌رسد، تا بدانجا که همه وجودش خدایی شده، جز حق

نمی‌گوید و غیر حق نمی‌جوید. ویژگیهای خلقی و فطری انسان به گونه‌ای است که قابلیت جانشینی خدا را در زمین دارد و می‌تواند تمامی تواناییها و استعدادها را در محیطی به وسعت تمامی جهان هستی شکوفا کند. اما سخن این است که این انسان چگونه می‌تواند به فلاح برسد و مؤثرترین روش تربیتی در این مسیر کدام است؟ بدون تردید ارائه هر روشی بدون توجه به ویژگیهای روانی و قوانین حاکم بر نفسانیات انسان و در نظر داشتن نیازهای متنوع زیستی، شناختی، روانی و اجتماعی وی نمی‌تواند چندان مؤثر واقع گردد.

روش یا روشهای تربیتی که بتواند انسان را به فلاح برساند می‌بایست متناسب با ویژگیهای شخصی و شخصیتی و در عین حال پاسخگوی همه نیازهای فطری انسان در سطوح مختلف باشد، چراکه انسان فطرتاً موجودی است خداجو و خلاق و کنجکاو و جست‌وجوگری که از ویژگیهای فطری - شناختی انسان است، خمیرمایه خداجویی، خلاقیت و آفرینندگی است و نیازمند هدایت.

رشد متعادل و متعالی انسان در گرو تأمین نیازهای اساسی اوست. در کنار تأمین نیازهای زیستی، حسن ارضای نیازهای عاطفی و ذهنی مناسب‌ترین بستر برای رشد شخصیت و آفرینندگی فکری انسان است. اما وجود در حال رشد و شخصیت متحول و پویای آدمی زمانی می‌تواند از آرامش کامل، سکینه قلبی و رضامندی درون برخوردار شود که فرصت رویش همه جوانه‌های وجود فراهم آید، زمینه اعتلا و پیوند با گستره هستی هموار شود و انسان از هر تعارض و دوگانگی و حسرت و حیرانی رهایی یابد.

پیچیدگی خلقت آدمی به گونه‌ای است که نیازهای عالی انسان جز با گسستن حلقه‌های زنجیر تعلق و رهایی از وابستگیهای دنیوی و آزادگی و وارستگی مقدور نخواهد بود، تا بدانجا که

عالی‌ترین نیاز انسان که همانا شکفتن همه غنچه‌های وجود و نیل به فلاح و عروج است جز با ارتباط مستقیم و سخن گفتن با خدا و دریافت پاسخ حضرتش میسر نخواهد بود. و نماز کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان است. به فرموده امام راحل (ره): "در جمیع عبادات خصوصاً نماز که سمت جامعیت دارد و منزله آن در عبادات، منزله انسان کامل است و منزله اسم اعظم، بلکه خود اسم اعظم است".^۲

انسان زمانی می‌تواند به فلاح برسد که با غلبه بر کوششهای نفسانی و قربانی کردن هوسها، بیردن از همه وابستگیها، خروج از ایستگاههای فکری و روانی و ترک خودبینی، با علم و ایمان و اطمینان و تسلیم وجود به درگاه حق، در سکوی نماز خداگوید و خدا جوید. و به همین دلیل است که خداوند سبحان می‌فرماید: *قد افلح المؤمنون، الذین هم فی صلواتهم خاشعون، والذین هم عن اللغو معرضون* - همانا مؤمنانی به فلاح می‌رسند که با همه وجود در نمازشان خاضع و خاشع‌اند، و وقتی که انسان به درجه خشوع برسد و همه فکر و ذکر و اندیشه و عملش برای خدا باشد، دیگر از همه آنچه که غیر خدایی است و همه موانع و آفت‌های رشد و فلاح روی گردان می‌شود، از حریم عفت و عصمت پای بیرون نمی‌گذارد، در انجام هر خیریه از دیگران پیشی می‌گیرد، هرگز دچار شرک و ربا نمی‌گردد و وجودش مخزن نیکیها و مظهر زیباییها، زینت جامعه و درمانگر دردها و آسیبهای اجتماعی می‌شود.

تردیدی نیست که "نماز" انسان را از همه بدیها و آسیبها باز می‌دارد و نمازگزار را آمر به معروف و ناهی از منکر می‌کند.^۱ اما نمازی این نقش اساسی و متعالی را دارد و نمازگزاری می‌تواند از چنین جایگاه والایی برخوردار باشد که جلوه‌هایی از وجه معنوی نماز در وی متجلی گردد. به قول امام راحل (ره): "برای نماز غیر از این صورت، معنایی است و نیز غیر از این ظاهر باطنی است. و چنانکه ظاهر را آدابی است که مراعات نمودن آنها موجب بطلان



عبادات است و طهارت ظاهر موجب طهارت باطن می‌گردد، چراکه بر اساس قانون حاکم بر شاکله وجود، یعنی اصل تن - روانی^۷ و روان - تنی^۸ هر آنچه که بر جسم آدمی تأثیر می‌گذارد روان او را نیز به همان نسبت متأثر می‌کند و به عکس هر آنچه که بر روان انسان اثر می‌گذارد، جسم او را نیز به گونه‌ای محسوس یا غیر محسوس متأثر می‌نماید. و وضو یک پدیدهٔ ویژهٔ تن - روانی معنوی و روحانی است، که با تطهیر و پالایش وجود و طهارت جسم و روان از ناپاکیها و نادرستی‌ها مقدمه و شرط اولیهٔ حضور در محضر رب‌الناس را فراهم می‌کند. به هنگام وضو انسان نمازگزار با شستن "صورت" نمای اجتماعی خود را از هرگونه نظر ناصواب، نگاه و کلام و منظری که رضای خدای در آن نبوده است پاک می‌کند و با شست‌وشوی "دستها" هر توان و قدرت

نماز صوری یا نقصان آن گردد، همین‌طور از برای باطن آدابی است قلبیهٔ باطنیه که با مراعات نمودن آنها نماز معنوی را بطلان یا نقصان دست دهد. چنانکه با مراعات آنها نماز دارای روح ملکوتی شود و ممکن است پس از مراقبت و اهتمام به آداب باطنیهٔ قلبیه، شخص مصلى رانصیبی از سر الهی نماز اهل معرفت و اصحاب قلوب حاصل شود که آن قره‌العين اهل سلوک و حقیقت معراج قرب محبوب است^۹. زیرا "نماز مقام عروج به مقام قرب و حضور در محضر انس است و سالک را مراعات آداب حضور در محضر مقدس ملکاالملوک لازم است^{۱۰}."

هر امری از مقدمات و هر رکنی از ارکان نماز خود پاسخی است به یک نیاز، نیازه پالایش جسم و جان، نیاز به اعلان عبودیت، نیاز به اندیشهٔ توحیدی، توجه به عزّ ربوبیت و ذلّ عبودیت، خروج از چاه عمیق طبیعت و ورود به صراط مستقیم، رهایی از خود و تقرب به دوست و نیاز به تسلیم. هر قدر انسان بیشتر خود را تسلیم حق کند، قدرت و اقتدارش افزون می‌گردد، تا بدانجا که تسلیم محض و عبودیت مطلقه از اعلا مراتب کمال و ارفع مقامات انسان است که قدرت سیر و معراج را ارزانی می‌دارد. پس هر که کمال جوید و اعتلا و اقتدار، ترک خودخواهی و خودمحوری پیشه کند و بنا تسلیم‌پذیری محض در برابر ذات حق به مقام عبودیت نایل آید. بر همین اصل انتظار می‌رود که قوی‌ترین و مقتدرترین افراد جامعه نمازگزارانی باشند که کشش‌های نفسانی و خودخواهی‌ها را نزد حق قربانی کرده، وجودشان سراپا تسلیم و تعظیم و خداخواهی است. احساس چنین نیازی نزد رهروان طریق حق، خود نشانی است از تزکیهٔ نفس، سلامت وجود و تعالی روان.

"نماز" که خود پرچم عبادات است و کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان، در هر رکن و حالتی شرط حضور خاص خود را دارد. فی‌المثل لازمهٔ حضور در برابر حق تعالی طهارت جسم و پاکی روان است. طهارت ظاهر و وضوء صوری بخشی از

می‌شود.

نمازگزار که از سریدای قلب به عزّ ربوبیت و ذلّ عبودیت توجه داشته باشد، همه انسانها، بخصوص کودکان و نوجوانان عظمت شخصیت وی را به آسانی درمی‌یابند و حتی جاهلان و نادانان نیز در برابر منش موحدانه وی سرتسلیم فرود می‌آورند. و عبادالرحمن الذین یمشون علی الارض هوناً و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاماً. بندگان ناب خدا، آنان که ذره‌ای خودبینی و خودخواهی ندارند، در زمین به آرامی گام برمی‌دارند و زمانی که مخاطب جاهلان واقع می‌شوند با سلام و کلام محبت‌آمیز پاسخ می‌دهند. چراکه ایشان با ذکر و نمازشان تاریکی شب را به سپیدی صبح پیوند می‌زنند. والذین بییتون لربهم سجداً و قیاماً^{۱۱}.

آری آن که خاضعانه و خاشعانه به اخلاص رسد، فقط سرتعظیم و تسلیم در برابر امر حق فرود آورده، هرگز به کشش‌های نفسانی، و سوسه‌های شیطانی و جاذبه‌های دنیایی لبیک نگوید و تهدیدها و تشویق‌ها دلش را نلرزاند.

اما تأسف و تأثر فراوان در این است که نه ما توانسته‌ایم به گونه‌ای که بایسته و شایسته است حق نماز و مصاحبت باذات حق را به جای آوریم و الگوهای مطلوبی از نمازگزاران موحد و پیمایندگان صراط مستقیم را در هر شهر و محله و کوچه و بازار و اداره به جوانان کنجکاو و جست‌وجوگر شناسانیم و نه ایشان فرصت محشور شدن با اولیای حق و نمازگزاران مخلص و سراینندگان نغمه‌های توحید و محبت را داشته‌اند. و بر عکس چه بسیار کودکان، نوجوانان و جوانانی که با به اصطلاح نمازگزارانی مأنوس و محشور بوده‌اند که بعضاً از ایشان جز اخم و عصبانیت، خودرأیی و انانیت، آزمندی و خست، بی‌صبری و لجاجت و دهها ویژگی نامطلوب دیگر چیزی در خاطرشان تداعی نمی‌شود. بنابراین می‌بایست در همه انسانها، به ویژه کودکان و نوجوانان نگرشی مثبت و دوست‌داشتنی نسبت به نماز و شخصیت محبوب نمازگزاران به وجود آید تا آنان نیز با همانندسازی،

و عملی را که ریا و خودکامگی در آن نهفته باشد از خود دور می‌سازد و با مسح سر، ذهن و اندیشه و تخیل و انگیزه خود را از هر آنچه غیر خداست خالی می‌کند و با باوری دوباره به عظمت کبریایی و فکری متعالی، سرش را در نهایت آزادگی و سرافرازی برای تعظیم و تسلیم به درگاه خالق یکتا مهیا می‌کند^{۱۰} و با مسح قدمها، خود را از هر حرکت نامیمون و ناخوشایند و کجروی و هرزه‌گردی مبرا ساخته، از هرگامی که بی‌رضایت حق در غفلت برداشته است به خود آمده، قدمهای خویش را استوارتر از همیشه برای حضور در محضر مقدسش و حرکت در صراط مستقیم آماده می‌سازد.

نمازگزار در اقرار کلمات توحید و گفت‌وگو با خالق به مقصد و مقصود می‌اندیشد. به قول امام راحل (ره): "یکی از آداب قرائت حضور قلب و تفکر است، تفکر در آیات شریفه و جست‌وجوی مقصد و مقصود و دیگر تطبیق است، یعنی در هر آیه‌ای که تفکر می‌کند مفاد آن را با حال خود تطبیق نماید و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع کند و امراض خود را بدان شفا دهد"^{۱۲}، به دیگر سخن همانندسازی نفس بسا متعالی‌ترین حالات و زدودن همه ناخالصی‌ها و تصفیه عمل از شائبه‌های غیرخدایی؛ چراکه "صلوة معراج و کمال مؤمن و لازمه‌اش دو امر است:

الف - ترک خودبینی و خودخواهی که آن حقیقت و باطن تقواست و همه خودمداری‌ها، گردنکشی‌ها، عصیان‌گری‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و مفسده جویی‌ها ناشی از خودبینی و خودخواهی است.

ب - خداخواهی و حق‌طلبی، که آن حقیقت معراج و قرب است"^{۱۱}.

نماز زمانی می‌تواند سکوی معراج نمازگزار باشد که دیگر ذره‌ای از خودبینی، خودخواهی و عصیان در او نباشد. بی‌هیچ تردیدی محشور شدن با چنین نمازگزارانی که از شخصیت متعالی برخوردار هستند، نعمت بزرگی است که شامل همه انسانها

در محضر انس بشناسند^{۱۳}.

اِنَّ الْاِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوْعًا اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوْعًا وَّ اِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوْعًا اِلَّا الْمَصْلِيْنَ^{۱۴} - قانون حاکم بر نفسانیات انسان چنین است که او بسیار حریص و آزمند است و زمانی که با تجارب ناخوشایند مواجه می‌شود بسیار بی‌قراری از خود نشان می‌دهد و آن‌گاه که مال و دولتی به او می‌کند، منع احسان می‌کند و انحصارگری می‌نماید، مگر نمازگزاران حقیقی که به عنوان گروهی از انسانهای رشد یافته و مطلوب، با قدرت و معنویت نماز و قربانی کردن خودخواهیها و تسلیم محض، قدرت غلبه بر کشش‌ها و قوانین حاکم بر نفسانیات انسان موجود را می‌یابند.

به دیگر سخن کودکان و نوجوانان و همه نظاره‌گران رفتارهای شخصی و اجتماعی انسانها، می‌بایست خویشتن‌داری‌ها، فضیلت‌های اخلاقی و رفتارهای متعالی فردی و اجتماعی را حاصل اقامه نماز و حضور در سکوی معراج بدانند. قالوا یا شعیب اصلاتک تامروک ان تترک ما یعبدا باؤنا و ان نفعل فی اموالنا مانشوا انک لانت الحلیم الرّشید^{۱۵} - گفتند ای شعیب، آیا این نماز توست که تو را می‌فرماید آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند فرو نهیم

به این مهم که نیاز انسانهای متعالی است بپردازند. مگر نه این است که نماز پرچم عبادات و معراج مؤمنین است؟ مگر نه این است که نماز قربانی کردن همه خودمحوریها و تجلی همه نیکی‌ها و زیبایی‌ها و اوج شکوفایی‌هاست؟ پس سزاوار این است که نوجوانان، نوجوانان و جوانان ما، همسایه‌ها، شاگردان و معلمان ما، زبردستان و فرماندهان ما، مهمانان و تماشاگران ما، دوستان و دشمنان ما، همه و همه، از مایی که نماز می‌خوانیم انتظاری جز محبت در کلام و رفتار، استواری شخصیت، گذشت و مروّت، سخن حق و عمل به عدالت نداشته، شخصیت ما را عاری از عصبانیت‌ها و پرخاشگریها، خودخواهی‌ها و قدرت‌طلبی‌ها، و یادآور زیبایی‌ها و عمل به نیکی‌ها بدانند، و نمازگزار را نه فقط از سیبحة دست، نشان پیشانی و اخفاء و اظهار حروف، بلکه از خویشتن‌داریها، پیشگامی در عمل به معروف، مشی صحیح زندگی، خداترسی و تقوا پیشگی، استغنائی طبع، صبوری در شرایط سخت، شاکری در نعمت، صیانت از پوده و حریم عصمت، حفظ امانت، وفای به عهد، بخشش و سخاوت، پایداری در صراط مستقیم، حاکمیت بخشیدن به ارزشها و حفظ و تداوم شرایط قیام به نماز و حضور



یا با خواسته‌ها مان آن چه خواهیم نکتیم؟ به راستی که تو بردبار حکیمی!

آری اگر نماز، انسان را عامل به نیکی‌ها، متصف به صفات‌الله، آمر به معروف و ناهی از منکر نکند، و نمازگزار بر کتکش‌ها و قوانین حاکم بر نفسانیات فائق نگردهد، معنا و مفهوم خود را در جامعه مسلمین باز نمی‌یابد.

اینک شاید سزاوار آن باشد که ضمن اهتمام بیش از پیش به ترویج اقامه نماز در میان همه قشرها، بالاخص نسل جوان، و تبیین راز و رمزهای نماز و نقش آن در بهداشت روان و سلامت جامعه - به ساده‌ترین بیان - بیشترین توجه به تطبیق رفتار نمازگزاران با روح نماز معطوف گردد، تا بدانجا که آثار حضور در محضر حق و نیاز به درگاه بی‌نیاز، بیان حال و تقاضای قرب، تولی یار و تبری از اغیار، ترک خودبینی و خداخواهی و اخلاص در همه شؤون زندگی، در خلق و خوی و رفتار شخصی، روابط خانوادگی و مناسبات اجتماعی متجلی شود.

آن وقت "نماز" این بزرگترین نعمت و امانت خداوندی و نگین حلقه وصل فرشیان و عرشیان معنابخش توحید و حقیقت هر دو جهان، به عنوان ارزشمندترین و متعالی‌ترین رفتار در جامعه بازشناسی شده، نمازگزاران موحد با چهره‌ای گشاده و مصمم و بدور از هر تکلفی آماده حضور در هر خیری و خدمتی هستند و در حالی که اثر وجودشان هر محل و انجمنی را معطر می‌نماید، به عنوان محبوب‌ترین الگوهای رفتاری و تربیتی مورد توجه قرار می‌گیرند و کانونهای برپایی نماز جماعت، به مثابه سکوه‌های افتخار حضور سراینندگان سرود یگانگی و توحید، پیشتازان نیکی‌ها و مروجان ارزشها خواهد بود.

دینا باید این حقیقت را دریابد و نیز همه جویندگان طریق حق، همه نوجوانان و جوانانی که در پی شناخت مطلوب‌ها و محبوب‌ها و ارضای نیازهای فطری، ذهنی و روانی خویشند باید بدانند که:

هرکس نماز می‌خواند دروغ نمی‌گوید، که دروغ

ریشه هر نفاق و زمینه هر طغیان و فساد و نشانه ترس و خودبینی، خودخواهی و خودنمایی و عقده‌های روانی است. هرکس نماز می‌خواند امین جان و مال و ناموس مردم است، نه کم‌فروشی می‌کند و نه گران‌فروشی، نه غیبت می‌کند و نه تهمت می‌زند، نه دشنام می‌دهد و نه خیانت می‌کند، نه ظلم می‌کند و نه زیر بار ظلم و ذلت می‌رود.

هرکس نماز می‌خواند چهره‌ای گشاده دارد و مهربان و با محبت است، پرخاشگری نمی‌کند، دشمنی روا نمی‌دارد و حق‌ناشناسی نمی‌کند. هرکس نماز می‌خواند شخصیتش آمیزه‌ای از عطفوت، منطق و استواری است و صادقانه و شجاعانه سخن می‌گوید، عادلانه می‌اندیشد و عمل می‌کند، صمیمانه ارتباط برقرار می‌کند، در اندیشه و قول و عملش ثابت قدم، استوار و قابل اعتماد است، از حریم ارزشها، موازین عدالت و منطق و پرده عصمت خارج نمی‌گردد.

حال اگر من و شما نماز می‌خوانیم ولی خدای ناکرده هنوز دروغ می‌گوییم و غیبت می‌کنیم، کم‌فروشی و گران‌فروشی می‌کنیم، رگه‌هایی از خودمحوری و خودبینی، فزون‌خواهی، قدرت‌طلبی و مقام‌پرستی وجودمان را فرا گرفته است، با دیگران با پرخاشگری و کبر و نخوت رفتار می‌کنیم و شخصیت ما برای اعضای خانواده، همکاران و دیگران به گونه‌ای که انتظار می‌رود مطلوب و قابل اعتماد نیست و مردم ما را امین و صدیق و مهربان و عادل نمی‌دانند، باید بار دیگر با نگرشی نو و اندیشه‌هایی متعالی‌تر "نماز" به جای آوریم تا شاید لباس مصلین به تن کنیم و جامعه فرسوده خودمحوری و شرک و ریا را از تن به درکنیم.

اما اگر کسی هنوز به صورت ظاهر به نماز نایستاده و یا خدا سخن نگفته است، ولی فردی امین و درستکار، صدیق و مهربان و باگذشت است، نیک بداند که وجودش به لطف خداوندی به نمونه‌هایی از فضیلت‌های اخلاقی و ویژگیهای حمیده مصلین

بوده‌اند احیای فطرت و فراهم کردن زمینه‌های رشد و به کمال رساندن فضایل اخلاقی انسان بوده است^{۱۶}

متصف و مزین شده است، لذا شایسته آن است که برای نیل به کمال معنوی، شکوفایی وجود و حضور در سکوی پرواز با اندیشه‌های برتر، به جرگهٔ مصلین پیوسته، آوای توحید، سرود آزادگی و آهنگ معراج را زمزمه کند و منشور منادیان حق و مروجان والاترین ارزشها را امضاء نماید.

اگر برنامه‌ها و فرایض مذهبی، خصوصاً جامعیت نماز از مقدمات ورود، اذان و اقامه گرفته تا سلام و امان و مصونیت از همهٔ محرکها و آسیبها را با دیدی عادلانه و عارفانه مورد توجه قرار دهیم و مبانی روان‌شناختی آنها را هرچه بیشتر بررسی نماییم، در می‌یابیم که دین خدا فطری است و هدف اصلی انبیای الهی نیز که جملگی بشیر و نذیر



نماز نیاز انسان به شکفتن است و نمازگزار تشنهٔ شکوفایی وجود است.

نماز: آرامش روان و سکینهٔ خاطر است و نمازگزار را قلبی آرام و خاطری آسوده می‌باشد.

نماز وفای به عهد رشد یافتگان، منشور سفیران حق و پیام‌آمرین به معروف و ناهیان از منکر و مصلحین زمین است و نمازگزار سفیر حق، آمر به معروف، ناهی از منکر و مصلح زمین است.

نماز استوانهٔ دین، پیمان حکمت و کلمهٔ بالندگی انسان است و نمازگزار دست پروردهٔ دین، محصول مکتب و فخر فرشتگان است.

نماز کشش عاشقان حق و محبوب خاشعان و نمازگزار شیفتهٔ حق و آئینهٔ خضوع و خشوع است.

نماز قربانی کردن هوسها، زدودن زشتیها، نفی انحصارطلبی و سد کژویها، عامل خوب شدن داری‌ها و راهبر نیکها و زیبایها و نمازگزار قهرمان همیشه پیروز عرصه‌های جهاد اکبر است.

و

نماز آئینهٔ حق‌نما و صیقل وجود است. نماز بانگ برپایی و تعظیم ارزشها و تکریم کرامت انسان است.

نماز مقصد و مقصود است. نماز ترسیمگر طریق فلاح و نقطهٔ اوج شدن انسان است.

نماز عطر حیات، زینت هر شهر و دیار و چراغ هر خانه و کاشانه است.

نماز درس توحید، رمز اخلاص و راز عبودیت است.

نماز ستارهٔ پرفروغ جامعهٔ مسلمین است. نماز نویدگر سلامت جسم، بهداشت روان، پاکی درون و اعتلای وجود است.

نماز سرچشمهٔ جوشان معرفت است. نماز نور حق و قرهٔ العین است.

نماز پاسداری از ارزشها و حاکمیت قرآن است.

و تکالیف مذهبی و در رأس آن "نماز" به تمامی متناسب با وسعت وجود و ظرفیت ذهنی و روانی انسان است.^{۱۷} هر قدر انسان از رشد متعادل‌تر و متعالی‌تر برخوردار باشد، نیاز بیشتری به همراهی با رشد یافتگان^{۱۸}، همانندسازی با اسوه‌های کمال و حضور در محضر خالق هستی پیدا می‌کند و اینجاست که گوشه‌هایی از کرامت و عظمت انسان، این اشرف مخلوقات به نمایش درمی‌آید. به همین دلیل است که می‌بینیم بندگان رشد یافتهٔ الهی "عباد الرحمن" همواره تاریکی شب را با نماز و نیایش به سپیدی صبح پیوند می‌زنند^{۱۹} و خوشایندترین لحظه‌های حیاتشان، هنگام ایستادن به نماز و سخن گفتن با خداست که نماز کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان است و نمازگزار باید از متعالی‌ترین شخصیت انسانی برخوردار باشد.

نماز پرچم عبادات، سرود ارستگی و آزادی و نمازگزار پرچمدار نیکی‌ها و اسوهٔ ارستگی است.

نماز سخن گفتن با خدا و نمازگزار همنشین خداست.

نماز رساترین فریاد و نمازگزار منادی اخلاص و توحید است.

نماز سکوی اعتلا و معراج انسان و نمازگزار در اندیشهٔ سیر و معراج است.

نماز پیمان تسلیم، معیار حق‌جویی و شکوفایی جوانه‌های وجود است و نمازگزار الگوی تسلیم، اسوهٔ حق‌جویی و حق‌طلبی و خودشکوفایی است.

نماز بریدن از انانیت‌ها و درس تواضع و خاک‌طبعی و نمازگزار بریده از خودخواهیها و متواضع‌ترین انسان است.

نماز کلاس درس و کتاب هستی و نمازگزار هم شاگرد، هم معلم و هم کتاب درس است.

نماز صفا‌آرایی درکرانهٔ هستی و دیدن نادیدنیهاست و نمازگزار ایستاده در کرانهٔ هستی و همسایهٔ عرشیان است.

آشنایی با کتاب

نام کتاب: آموزش جوانان در آستانه ازدواج
مؤلف: شورای طرح جامع آموزش و مشاوره

خانواده

چاپ: اول

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۷۴

ناشر: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی
ایران



بدیهی است که امر ازدواج از پایه‌های اساسی زندگی آدمیان است و وجه تمایز انسانها بر دیگر جانداران این است که امور و برنامه‌ها را برابر با اصول و موازین عقلانی، اخلاقی و قانونی مورد التفات قرار می‌دهند. تردیدی نیست که این‌گونه عملکرد به فراگیری و تربیت و آموزش نیاز دارد.

این مجموعه شامل مطالبی است که به توسط استادان دوره "آموزش جوانان در آستانه ازدواج" تحت ۸ عنوان: حدود روابط دختر و پسر - عوامل استحکام خانواده - آسیب‌شناسی ازدواج - حقوق متقابل زن و مرد - ویژگیها و شرایط دختر و پسر برای ازدواج - اهداف و انگیزه‌های ازدواج و تشکیل خانواده - روان‌شناسی زن و مرد و معیارها و ملاکهای انتخاب همسر، طی شانزده ساعت تدریس شده است و بی‌شک در آموزش جوانان در آستانه ازدواج بسیار مفید و مؤثر خواهد افتاد.

نماز شکستن دیوار آزمندیها، گذر از بی‌قراریها و رهایی از خودمداریهاست.
نماز پالایش وجود، آرامش روان و باران رحمت است.

پاورقیها:

- ۱ - ما خلقت الجن و الانس الألیعبدون (سوره ذاریات، آیه ۵۶)
- ۲ - آداب الصلوة، صفحه ۹
- ۳ - سوره مؤمنون، آیات ۱ - ۳
- ۴ - ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر (سوره عنکبوت، آیه ۴۵)
- ۵ - آداب الصلوة، صفحه ۲۹
- ۶ - آداب الصلوة، صفحه ۹۰
- 7 - SOMATOPSYCHOLOGY
- 8 - PSYCHOSOMATIC
- ۹ - وضو آمادگی روانی و ذهنی انسان را بیشتر می‌کند و دامنه توجه او را افزایش داده، قدرت تمرکز، همانندسازی و یادگیری را مضاعف می‌نماید.
- ۱۰ - آداب الصلوة، صفحات ۲۰۳ و ۲۰۶
- ۱۱ - آداب الصلوة، صفحه ۳۵۰
- ۱۲ - سوره فرقان، آیات ۶۵ - ۶۳
- ۱۳ - الذین هم علی صلاتهم دائمون (سوره معارج، آیه ۲۳)
- ۱۴ - سوره معارج، آیه ۲۰ تا ۲۲
- ۱۵ - سوره هود، آیه ۸۶
- ۱۶ - انی بعثت لانتم مکارم الاخلاق (حضرت محمد (ص))
- ۱۷ - لایکلف الله نفساً الا وسعها (سوره مؤمنون، آیه ۲۸۶)
- ۱۸ - قد اقلح المؤمنون .
- ۱۹ - عباد الرحمن ... و الذین یتتوبن ربهم سجداً و قیاماً (سوره فرقان، آیه ۶۴)